

### متن پرسش

سلام: در جواب دوم سوال ۲۸۴۴۰ مبنی بر چگونگی نقد اصولگرایان قبیله‌گرا و حزبی و عبور دادن جامعه از آنها با وجود افراد موجه ای که مانع نقد میشوند فرمودید که تنگ نظری خطر بزرگی است و باید آن را نقد کرد و افراد را متوجه سعه صدر کرد. هر چند احساس می‌کنم جواب سوالم را گرفتم، اما در این جواب گویا تعریضی هم به اینجانب است که مواظب باش خودت هم در دام تنگ نظری و ضیق صدر قرار نگیری! آیا درست فهمیدم؟!

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی‌دانم. ولی باید به مسیر کلی فکر کرد. عرایضی شده است که إن شاء الله این روزها روی سایت قرار گرفته است، ذیلاً خدمتتان ارسال می‌شود: موفق باشید

## جایگاه تمدن نوین اسلامی در این تاریخ

### باسمه تعالی

در طلوعی حضور تاریخی هستیم که از یک طرف در افق خود نظر به تمدن اسلامی داریم و در جستجوی مبانی الهیاتی آن باید بود و از طرف دیگر در جهانی باید حاضر بود که در مواجهه با تمدن غربی است و در صدد گشودن راهی هستیم که در عین حضور تمدنی در این تاریخ از هویت قدسی خود، غفلت ننماییم و نیز در جهان خود جایگاه سایر افکار و ادیان و عقاید روشن گردد تا آن‌ها نیز تکلیف خود را با تمدنی که تحت عنوان تمدن نوین اسلامی در پیش است، روشن بدانند. با توجه به چنین نکاتی نظر عزیزان را به موارد زیر جلب می‌نمایم:

۱. اسلام به عنوان یک حقیقت فراتاریخی، مطابق طلب انسان‌ها و آمادگی روحی آن‌ها در هر تاریخی برای آن‌ها به ظهور می‌آید. وقتی بشر روح تمدنی داشته باشد و خود را جهانی احساس کند، جواب آن روح را مطابق آیهی «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹) خواهد داد و خداوند با جلوه‌ی آن اسما حسنی که مناسب آن روزگاران است، بشر را تغذیه می‌کند، از آن جهت که در وصف جهانی بودن اسلام فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ/۲۸) و در دل همین حضور جهانی است که ما را دعوت به ارتباط با حضرت پروردگار در فضای اجتماعی و جمعی می‌کند و می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و ملاحظه دارید که روی

«جمیعاً» تأکید شده است تا به تحقق جامعه‌ی دینی توجه شود.

۲. بشر امروز خود را جهانی می‌یابد و به همین اندازه می‌خواهد در جهان حاضر باشد و قرآن نیز او را با چنین حضوری همراهی می‌کند. امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در پیام استقامت، در همین راستا می‌فرماید: «راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟» زیرا در جهانی حاضر هستیم که قدرت‌های بزرگ با روحیه‌ی تمامیت‌خواهی‌شان همه‌ی ملت‌ها را ذیل تمدن خود می‌خواهند و ضرورت قدرتی بزرگ که همه‌ی مناسبات را با فرهنگ خود تعریف کند، امری است که حکایت از واقع‌بینی و زمان‌شناسی حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» دارد، وگرنه هویت اسلامی جهان اسلام به فراموشی می‌رود.

۳. اگر تمدن، بسط دانش و فکر و فرهنگی است که توان انسجام عقلانی و درونی در حوزه‌های مختلف که مربوط به انسان است را، دارا می‌باشد، می‌توان گفت آنچه امروزه در ایران اسلامی شیعی حاضر در انقلاب اسلامی واقع شده، شرایط تحقق یک تمدن را در خود فراهم کرده و این مشروط بر آن است که از فرآیندی بودن تمدن‌ها در تاریخ غفلت نشود. [۱]

۴. تمدنی که در پیش رو خواهیم داشت، مسلم تمدنی است که در مواجهه با تمدن غربی به ظهور می‌آید، تا از طرفی از ضعف‌های آن تمدن مبرّا باشد و از طرف دیگر خوبی‌های آن را بسط دهد، و لذا هرگز نباید بحث تقابل تمدن‌ها در میان باشد از آن جهت که هر تمدنی، روحی است تاریخی و خردی است که بشر را در هر دورانی در برمی‌گیرد و از این جهت بین خرد مدرن و فرهنگ غربی باید تفکیک کرد.

۵. خرد جدید، خردی است تاریخی و مربوط به جغرافیای خاصی نیست، تقدیری است تا انسان از تک ساحتی قرون وسطا که خدا را در مفاهیم بلند جستجو می‌کرد، خدا را در همه‌جا بیابد و طبیعت نیز آینه انکشاف حقیقت باشد و بدین لحاظ از نظر تاریخی خرد جدید می‌تواند قدمی به جلو باشد. [۲]

با توجه به امر فوق بنا بر این است که خرد جدید را بفهمیم که مبتنی بر نظام معرفتی خاص خود می‌باشد که چندان شبیه و نزدیک به زیست جهان گذشته‌ی ما نیست و به یک معنا در آن خرد جدید نحوه‌ای از جهانی‌شدن بشر به میان آمده است.

۶. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در توصیف حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نسبت به مواجهه‌ی ایشان با خرد مدرن می‌فرماید: «یک نمونه‌ی دیگر از این تحوّل - در حضرت امام- در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبّد بود، در عین نگاه نوگرایانه به مسائل؛ یعنی امام، یک فقیه نوگرا، یک روحانی نوگرا بود؛ به مسائل با چشم نوگرایانه نگاه می‌کرد؛ در عین حال به شدّت پابند به

۷. انقلاب اسلامی به عنوان یک موجود زنده مانند خودِ اسلام، مراحل دارد، مثل آن که در قرآن داریم: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (مائده/۵) و این بدان معناست که وقتی شرایط، تاریخی تغییر کند نحوه‌ی حضور اسلام بین ملل و جوامع نیز تغییر می‌کند در آن حدّ که تا دیروز ازدواج با زنان اهل کتاب را ممنوع کرده بود و امروز ازدواج با آن‌ها را بدون آن که لازم باشد مسلمان شوند، اجازه می‌دهد. زیرا سطره‌ی فرهنگی اسلام پس از یازده سال آن‌چنان قدرتمند شده است که نه تنها هضم فرهنگ یهود و نصارا نمی‌شود، بلکه آن‌ها را در خود هضم می‌کند بدون آن که نیاز باشد آن‌ها دین خود را تغییر دهند.

۸. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در پیام خود به امام جمعه‌ی هرمزگان می‌فرمایند: «... تقویت جریان انقلابی و جوانان مؤمن و روی گشاده و دست مهربان با عموم طبقات، توصیه‌ی مؤکد اینجانب است.» (۲۶ تیرماه ۹۸). ملاحظه می‌فرمایید که انقلاب در شرایطی قرار دارد که علاوه بر نظر به جریان انقلابی و جوانان مؤمن، به عموم مردم که جدای از جریان انقلابی و جوانان مؤمن هستند، رویی گشاده و دست مهربانانه دراز می‌کند تا آن‌ها را در برگیرد، زیرا بحمدالله در شرایط تاریخی گشوده‌ای حاضر شده است تا بقیه را نیز از آن خود کند.

۹. خرد جدید با نظر به جهانی‌شدن انسان، به یک معنا هجرت از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی است و دغدغه‌ی اصلاح اجتماع را به جای تأکید بر اصلاح فرد به میان می‌آورد و ما با انقلاب اسلامی و تأکید بر ساختن اجتماع دینی با دغدغه‌های خاصی روبه‌رو هستیم، شبیه دغدغه‌های هگل و هایدگر در ساختن اجتماعی که در عین مدرن بودن، مذهبی باشد. هگل با روبه‌روشدن با تاریخ و خرد مدرن سعی دارد با مدّ نظر قراردادن خرد مدرن، راه کارهای حفظ هویت دینی را پایه‌ریزی کند و در این رابطه قانون را به جای اخلاق می‌گذارد، با این رویکرد که انسان مدرن با رعایت قانون احساس کند کاری اخلاقی انجام می‌دهد.

۱۰. تنگ‌نظری در هرجایی باشد، به‌خصوص در جریان مذهبی‌ها، ریشه در متوقف‌شدن آن‌ها در مفاهیم دینی دارد و برعکس، انسان‌ها با نظر به حقایق قدسی سعه‌ی صدر پیدا می‌کنند. رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در خاطرات خود می‌فرمایند:

«یکی از کمونیست‌ها را به سلول ما آوردند، در حالی که بنده در حال نماز بودم چون لباس سفیدی را به صورت عمامه به سر داشتم و به جای عبا یک پتو به دوشم بود، هرکس مرا در تاریکی سلول می‌دید تصور می‌کرد من لباس روحانی به تن دارم. همین که آن فرد با بنده

روبه‌رو شد چهره‌اش در هم رفت و غمگین و افسرده به گوشه‌ی سلول خزید. من به او نزدیک شدم و کوشیدم با او نیز مانند سایر زندانیان جدیدالورود رفتار کنم و افسردگی‌اش را بزدایم. به او گفتم: شما گرسنه‌اید یا تشنه؟ اما اخم از چهره‌اش کنار نرفت، با دست به مالش دادن شانه‌ها و سر و گردنش پرداختم، سعی کرد از پاسخ دادن به هر سؤال خودداری کند. من عادت داشتم مقداری از غذای افطار را نگه دارم، به او نان و قدری مربا دادم، حاضر نشد بخورد. بالاخره به زور به او غذا خوراندم و آب نوشاندم چون می‌دانستم پس از دستگیری‌اش غذایی نخورده و چه بسا کتک هم خورده باشد. قدری چهره‌اش باز شد. جهت مراعات او نماز عشاى خود را به تأخیر انداختم. صحبت با او را ادامه دادم. چون گمان می‌کرد من می‌خواهم او را به صفوف اسلام‌گرایان جذب کنم، سرش را بلند کرد و با لحنی خشک گفت: اجازه دهید اعتراف کنم من به هیچ دینی عقیده ندارم. فهمیدم که چه در ذهنش گذشته، دنبال جمله‌ای مناسب ذهنیت و منطق و شرایط او می‌گشتم. گفتم: سوکارنو رئیس جمهور اندونزی در کنفرانس باندونگ گفت: ملاک اتحاد ملت‌های عقب‌مانده، نه وحدت دینی و نه وحدت تاریخی و فرهنگی و امثال آن، بلکه وحدت نیاز است. مسائل، یکی است و سرنوشت، نامعلوم، و دین نباید میان من و شما جدایی بیندازد. انتظار این پاسخ را از من نداشت. دیدم تغییر در چهره‌اش آشکار شد، خیلی هم باز شد و با ما گرم گرفت. بعد به او گفتم: شما استراحت کن و ما نماز می‌خوانیم.» [۳] ما در ادامه‌ی انقلاب و حضور تاریخی خود در این زمانه نیاز به چنین سعه‌ی صدری داریم تا بدون آن‌که بخواهیم جهان را مسلمان کنیم، جهان از آن ما باشد. مثل مردم غزه که در موردشان گفته‌اند شیعیانی‌اند که دست‌بسته نماز می‌خوانند، زیرا عقل و قلب‌شان شیعه است.

۱۱. نظر به اسمای الهی و مظاهر آن و عبور از مفاهیم، عاملی است تا انسان با حقایق اسماء در آینه‌ی مخلوقات روبه‌رو شود. قرآن در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره‌ی جاثیه می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ & وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» این یعنی کمالات الهی که مورد حمد قرار می‌گیرند و کبریایی او را در همین آینه‌های مخلوقات که در زمین و آسمان هستند بنگریم و در همین مخلوقات با حقیقت مأنوس شویم.

۱۲. قرآن در رابطه با تحمل سایر ملل و سایر افکار، به پیامبر خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» می‌فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» (جاثیه/۱۴) ای پیامبر! به مؤمنین بگو نسبت به آن‌هایی که امیدی به ایام الله ندارند، اغماض داشته باشد و به آن‌ها گیر ندهد. و این حکایت از آن دارد با آن‌هایی که مانند مسلمانان به برزخ و قیامت و یا به ایام الله حاکمیت حق در جهان امیدوار نیستند، باید اغماض نمود.

۱۳. قرآن اهل کتاب را به جای دعوت به اسلام، به توحید دعوت می‌فرماید و می‌گوید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» و در راستای پذیرش

حضور متدینین اهل کتاب می فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ & يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/ ۱۱۳ و ۱۱۴). و نیز در سوره ی نساء آیه ی ۱۶۲ می فرماید: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا».

آیات فوق همه حکایت از آن دارد که اسلام بنا دارد در سعی توحیدی با سایر ملل به گفتگو بنشیند.

۱۴. در مورد اهل سنت از امام صادق «علیه السلام» داریم: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَ الصَّادِقُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ خَمْسَةٌ أَبْوَابٍ يَدْخُلُ مِنْهَا شَيْعَتُنَا وَ مُحِبُّونَا فَلَا أَرَاكَ وَاقِفًا عَلَى الصِّرَاطِ أَدْعُو وَ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ شَيْعَتِي وَ مُحِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ وَ شَفَعْتَ فِي شَيْعَتِكَ وَ يُشَفَّعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شَيْعَتِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي وَ نَصَرَنِي وَ حَارَبَ مَنْ حَارَبَنِي بِفِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مِنْ حِيرَانِهِ وَ أَقْرَبَائِهِ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (الخصال، ج ۲، ص: ۴۰۸) بهشت هشت در دارد؛ يك در از آن پیغمبران و صدیقان است، يك در از آن شهیدان و صالحان است، و از پنج در شیعیان و صدیقان ما داخل می شوند، من پیوسته بر سر صراط ایستاده و درخواست می کنم؛ پروردگارا! شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که مرا در دنیا به ولایت شناخته اند، سالم دار. يك بار آوازی از شکم عرش می رسد که درخواست تو پذیرفته شد، شفاعت تو در باره شیعیان قبول شد، هر تن از شیعیان من و کسانی که ولایت مرا پذیرفته و مرا به گفتار یا کردار یاری کرده و با دشمنانم جنگیده اند، هفتاد هزار تن از همسایگان و خویشان خود را می توانند شفاعت کرد؛ از يك در دیگر مسلمانان دیگری که خدا را به یگانگی شناخته و ذرهای دشمنی ما خاندان در دلشان نیست وارد می شوند.

راوی از ابی جعفر «علیه السلام» سؤال می کند وضع موحدین که اقرار به نبوت حضرت محمد «صلی الله علیه و آله» دارند ولی اهل گناه هستند و امامی ندارند و ولایت را نمی شناسند، پس از مرگ چگونه است؟ حضرت فرمودند: «أَمَّا هَؤُلَاءِ فَإِنَّهُمْ فِي حُفْرِهِمْ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا فَمَنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ وَ لَمْ يَطْهَرْ مِنْهُ عِدَاوَةٌ فَإِنَّهُ يُحَدُّ لَهُ حَدًّا إِلَى الْجَنَّةِ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ بِالْمَعْرِبِ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ الرُّوحُ فِي حُفْرَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ فَيَحَاسِبُهُ بِحَسَنَاتِهِ وَ سَيِّئَاتِهِ فِيمَا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ فَهَؤُلَاءِ الْمَوْقُوفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص: ۱۵۸). امام «علیه السلام» فرمودند: آن ها در قبرهای خود خواهند ماند و از آن جا بیرون نخواهند گردید، هر کدام از آن ها که کارهای نیک انجام داده باشند و عداوت و عنادی از آنها ظاهر نشده باشد از قبر او راهی به طرف بهشتی که خداوند در مغرب آفریده است باز می گردد و تا قیامت روح و بشارت به قبر او می رسد، تا روز قیامت برپا شود، در آن هنگام در پیشگاه عدل خداوندی حاضر می گردد و به حساب کار او می رسند و خوبی ها و بدی های او را در نظر

می‌گیرند، در این‌جا یا به طرف بهشت می‌روند و یا به طرف دوزخ رهسپار می‌شوند، وضع این‌ها بستگی به امر خداوند دارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

---

[۱] - رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در راستای تحقق آرمان‌های فکری فرهنگی می‌فرمایند: «دچار شتاب‌زدگی و بهانه‌گیری هم نباید بشویم. یکی از چیزهایی که واقعاً ماها همه باید به آن توجه بدهیم، این است که یکی از عیوب کار، این بی‌صبری و شتاب‌زدگی است؛ مرتب آدم پا به زمین بزند که «آقا چرا نشد؟ چرا نشد؟» خب هر چیزی قدری دارد، هر چیزی آجل و آمدی دارد، همه چیز با سرعت انجام نمی‌گیرد.» (۱۳۹۷/۱۲/۲۳)

[۲] - در این مورد خوب است به مقاله‌ی «پرسش از تکنولوژی» از آقای مارتین هایدگر رجوع شود.

[۳] - گزیده‌ای از کتاب «خون دلی که لعل شد» از صفحات ۲۴۷ تا ۲۵۱.